

من خواهرت نیستی؟!/تاوان خیانت, [۱۳,۰۵,۲۰ ۱۴:۱۰]

[In reply to من خواهرت نیستی؟!/تاوان خیانت]

#پارت_۱۴۶

– بیا اینجا.

سریع به طرفش رفتم که دستم رو گرفت و از در کشید،
با هم وارد یه اتاق بزرگتر و شیک تر از مال خودم شدم.

– خب اینجا هم اتاق آقاتونه، حالا هر وقت که بخواییم می
تونیم از اینجا باهم در رفت و آمد

باشیم.

نگاهی به لبخند شیطانی روی لبش کردم و دوباره

برگشتم توی اتاق و گفتم:

– ساشا.

– جانم؟

– چرا به اون دختره گفتم خانم تهرانی؟

- پس چی باید می گفتم؟

- همسرم.

ابروهاش بالا پرید و گفت:

- خب عزیزم دیر نشده کلی زمان مناسب دیگه هم هست که بخوام بگم، دوست ندارم الان به چشم پارتی بازی بهت نگاه کنن و تلاش و مدرکت رو نادیده بگیرن. از حرفش حس کردم پیام گر گرفت و از حرفم خجالت کشیدم. جلو اومد و محکم بغلم کرد و

بوسی روی لپم کاشت و گفت:

- کوچولوی خوردنی، برو پشت میزت بشین و سیستمت رو روشن کن تا پیام.

سرم رو تکون دادم و از بغلش در اومدم، به طرف میز می رفتم که یه دفعه سوالی تو ذهنم اومد.

- راستی؟

قبل از اینکه دستش روی دستگیره در بشینه برگشت
طرفم و گفت:

-جانم؟

-خب فامیلی هامون شبیه همه باز میگن پارتی بازی شده
که.

سرش رو تکون داد و گفت:

-نه عزیزم، من فامیلیم رو عوض کردم و شرکت رو هم با
همین ثبت کردم.

-جدا؟ قانونی؟

-بله.

-فامیلیت چیه؟

-افشار.

ابروهام بالا پرید یعنی می خواست به کل مامان و بابا رو
فراموش کنه و اینم یه قدم برای این هدفش بوده؟